

26 words per day

Day 19

Word	Meaning
A uthor	نویسنده، مولف، نویسندگی کردن
B athroom	حمام، گرمابه
C entury	قرن، سده
D ead	مرده، بی حس، بی روح
E xact	دقیق، درست، به زور گرفتن
F ly	مگس، پرواز، پرواز کردن
G love	دستکش
H ear	قلب، دل، مرکز
I mport	واردات، کالای رسیده، وارد کردن
J udgment	داوری، دادرسی، قضاوت
K now	دانستن، آگاه بودن، شناختن
L aunch	راهاندازی، به آب انداختن کشتی
M ark	علامت، نشانه، نمره، نشان دادن
N atural	طبیعی، ذاتی، بدیهی
O perate	عمل کردن، به کار انداختن
P erhaps	شاید، ممکن است، گویا
Q	
R acing	مسابقه، رقابت، مسابقه دهنده
S ea	فصل، فرصت، هنگام
T ell	گفتن، بیان کردن، نقل کردن
U ncertain	مردد، نامعلوم، مشکوک
V ary	متنوع ساختن، فرق داشتن
W arm	گرم، صمیمی، گرم کردن
X	
Y	
Z	